

متن پرسش

در دانشگاه امام صادق(علیه السلام) پیرامون مسائل گوناگونی بحث می شود؛ سیاست، فلسفه، اقتصاد، فرهنگ و...؛ و اینجانب هم به شدت از برخی از این مباحث تاثیر می پذیرم. به عنوان مثال فردی می آید و راجع به ضرورت تربیت انسان متعهد و مومن برای سینما و تلویزیون صحبت می کند و من هم به شدت تحت تاثیر قرار گرفته و می گویم آیا الان نیاز این است که بروم و در آن حوزه کار کنم؟ یا اینکه مثلا فردی می آید از ضرورت فلسفه برایم می گوید من هم با خود می گویم آیا بروم فلسفه بخوانم؟ و... . منتهای امر اینکه به شدت در شک و تردید به سر می برم. من در حال حاضر گرایش صنعتی مدیریت را انتخاب کرده ام و می خواهم در حوزه کیفیت کار کنم؛ اما از طرفی می گویم پس سینما و تلویزیون چطور؟ فرهنگ سازی چطور؟ تولید علوم انسانی اسلامی چطور؟ شاید نیاز باشد که من وارد آنها شوم. رفتم و صحبت های مقام معظم رهبری تا سال ۸۹ که در مورد کیفیت در صنعت بود را استخراج کردم و دیدم ایشان نسبت به این قضیه هم توجه دارند مثلا در مراسم بیعت هزاران نفر از نمایندگان کارگران سراسر کشور در سال ۱۳۶۸ «کارگرا باید این میدان را پیدا کنند که کار خودشان را در خدمت نظام و رونق و حرکت اقتصادی مردم قرار دهند و به بهترین وجه به تولید کالاهای با کیفیت پردازند» و چندین سال است که در نامگذاری های سال به شدت به حوزه اقتصاد و صنعت توجه دارند؛ من هم دوست دارم کیفیت کالای ایرانی را افزایش دهم؛ اما نمی دانم ضرورت جامعه چیست؟ آیا نیاز جامعه این است که من بروم و کار فرهنگی کنم و در سینما و تلویزیون تاثیر گذاری کنم یا اینکه به سراغ این بروم که علوم انسانی بر مبنای قران و دیگر منابع اسلامی تولید کنم یا اینکه در حوزه صنعت باقی بمانم و در ارتقای صنعت کشور سهیم باشم؟ حدسم این است که حضرت آقا بیشتر به حوزه فرهنگ تاکید دارند تا صنعت؛ اما اگر بروم در حوزه فرهنگ پس کیفیت کالاهای چطور؟ اگر مطمئن شوم تکلیف این است که در حوزه دیگری مشغول شوم، انشالله به سراغ ادای تکلیفم می روم. بین زمین و آسمان گیر هستم؛ آیا بعد از کارشناسی ارشد بروم حوزه علمیه یا اینکه در حوزه صنعت ادامه تحصیل دهم؟ یا اینکه تکلیف چیز دیگری است؟ تکلیف من چیست؟ تمنا می کنم من را از این عذاب سخت نجات دهید؛ من چه کنم؟ کدام حوزه را انتخاب کنم که آخر عمرم پشیمان نباشم؟ کدام حوزه را انتخاب کنم که رضای خدا در آن باشد؟ تمنا می کنم یک جواب صریح به من بدهید که دیگر شکی برایم باقی نماند وگرنه ممکن است دوباره فکریایی مبنی بر اینکه مسیری که انتخاب کرده ام الهی است یا نه به سراغم بیاید و آزارم دهد؟ اگر وارد صنعت شوم باز باید با ابزارهای غربی کار کنم و صنعت را از این طریق رشد دهم پس با توجه به این قضیه باید وارد تولید علوم

انسانی اسلامی روم ت مبنای صنعت و علوم انسانی و ... اسلامی شود. اما از یک نظر هم بایدکشور تولیدات داشته باشد و تولیدات با کیفیت تا پیوسته وابسته به غرب نباشد. حال از بین این دو کدام اولویت دارد به گونه ای که در آخر عمر پیشیمان نباشم؟ به شدت مردد هستم که وارد حوزه شوم یا اینکه در همین رشته مدیریت صنعتی بمانم؛ شما می توانید مرا کمک و توجیه کنید که چه کنم؟ به سراغ تولید علوم انسانی اسلامی بروم و وارد حوزه شوم یا اینکه همین رشته را ادامه دهم؟ با تشکر فراوان و حلالیت از اینکه وقتتان را می گیرم والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که متوجه اید نظام اسلامی نیاز دارد که در ابعاد مختلف رشد کند ولی اولاً: هرکس را استعداد خاصی داده اند و ثانیاً: هرکس در شرایط خاصی قرار دارد. اگر کسی در شرایطی که هست و مطابق استعداد خود به نیت خدمت به نظام اسلامی عمل کند حتماً عمرش را برکت داده و در آخر عمر پیشیمان نخواهد بود. شما به خودتان نگاه کنید ببینید در چه شرایطی هستید، در همان مسیر سعی کنید با نیتی پاک عمل کنید. موفق باشید